

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۹۹ | ۱۶ رجب ۱۴۴۲ | ۲۸ فوریه ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۳۹۵۱ | ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۱۸

اذان صبح فردا ۵:۱۱ • طلوع آفتاب ۶:۲۴

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا

نور نوشت



یک روز زمستانی در روستای «تابستان‌نشین» املش. عکس: پویا باز آرگ، مهر

سرتق

روزنامه

فرسودگی شغلی در سال کرونا



الهام فخاری
عضو شورای اسلامی شهر تهران

شتاب داده‌پردازی، فزونی داده‌ها و دسترسی همگانی به زمینه‌ها و سطح‌های گوناگون و پیچیدگی‌های زندگی خاورمیانه‌ای زندگی همه ما را دستخوش فرازوفرودهایی ویژه کرده است. بر همه اینها وضعیت برخاسته از فشارهای تحریم‌های جهانی، دگرگونی‌های منابع قدرت و انرژی و از همه تازه‌تر کووید ۱۹ را باید افزود.

در چنین شرایطی فرهنگ و جامعه و اقتصاد بیش از همیشه در فشار سیاست قرار می‌گیرند و سیاست و هزینه-فایده‌های کار سیاسی فراتر از ارزیابی و تاب‌آوری‌ها می‌شود. کار سیاسی و سیاست‌ورزی همواره زمینه‌ای متفاوت از زندگی روزمره، وارآلود و در پیوند با سبک زندگی ویژه‌ای به‌شمار می‌رود. در ایران کار سیاسی پیچیدگی‌هایی دیگر و در دهه‌های گوناگون میدان، قلمرو، بازیگران، هزینه-فایده و شیوه کار سیاسی دگرگونی‌هایی داشته است. به سیاست هم می‌توان و باید دانش‌پژوهانه پرداخت تا کار سیاسی هم سنجش‌پذیر و هم هدفمند و سازنده باشد و هم اینکه بتوان از آسیب‌ها و هزینه‌های فردی، گروهی (حزبی) و ملی یا منطقه‌ای آن کاست و بر سود و ارزش آفرینی افزود؛ ولی باید پرسید که واگویی و بازیردازی سیاست ایرانی چگونه می‌تواند در چارچوب و با روش دانش‌پژوهانه (علمی) سازمان‌یافته شود؟

چه بسا گمانه (پاسخ احتمالی‌ها) در گرو پرداختن به عامل‌های گوناگون بیرونی و درونی امر سیاسی و سیاست‌ورزی صورت‌بندی شوند. از دیدگاه سازه‌یابی‌گری، کانون سیاسی و امر سیاسی کنشگر/بازیگر سیاسی است و هرگونه تلاشی برای بهبود این کنش نیازمند آن است که دربرگیرنده بازیگران هم باشد؛ چون ویژگی‌های بازیگران زمینه‌ساز برخی کاستی‌ها و راستی‌های روند کار سیاسی می‌شوند. یکی از این ویژگی‌ها بازخورد (نگرش) ایشان به کنش سیاسی (در هر سطحی) و یکی از این کاستی‌ها عارضه فرسودگی سیاسی می‌تواند نام نهاده شود که در بی‌افزایش فشارهای اجتماعی-امنیتی، اقتصادی و روان‌تنی‌ای وارد در فرایند کار سیاسی، بر کنشگر/بازیگر پدید می‌آید. این فشارها پدیدآورنده‌های بیرون‌بنیاد و درون‌بنیاد چندمی می‌توانند داشته باشند. باین‌همه بازخورد کنشگر سیاسی از فشارها و عامل‌هایی پیچیده و بیرونی اثر می‌پذیرد. خوشبختانه بازخورد آموختنی و دگرگونی‌پذیر هستند و شاید بتوان با بهبود بازخورد بازیگران (افراد یا احزاب) فرسوده از میزان فرسودگی ایشان کاست یا بر پایه سنجش بازخورد آنها از پدیدآیی یا افزایش فرسودگی سیاسی و هم‌هنگام فرسودگی اجتماعی پیشگیری کرد؛ ولی این کارها بستگی به این دارند که بدین‌آیا کنشگرانی که دچار فرسودگی بالا هستند، همان‌هایی هستند که بازخوردشان به کار سیاسی و سیاست و به کار اجتماعی هم منفی شده است، و آنهایی که بازخورد‌های‌شان سازنده (مثبت) هست، دچار فرسودگی نیستند؟ آیا بازخوردها و فرسودگی سیاسی برخاسته از ویژگی‌های شخصیتی بازیگران دگرگون می‌شوند؟ و کدام فشارها و کشمکش‌های بیرونی و میان‌گروهی به آن دامن زده است؟ در کسره علوم انسانی یکی از بیماری‌های انگیزشی که در دو دهه پایانی سده بیستم شناخته شده، فرسودگی کاری است (شکرکن، ۱۳۷۴). فرسودگی کاری واکنش آموخته‌شده‌ی کاهنده و چندسویه (چندبعدی) به فشارهای درازمدت کاری است که نموده‌های بدنی، شناختی، عاطفی و رفتاری دارد. با چنین تعریفی فرسودگی کاری با آنچه در دیدگاه

سازه‌یابی‌گر بازخورد یا پدیده‌ها نامیده شده، همانندی‌هایی دارد. می‌توان چنین فرض کرد که فرسودگی بیماری است و نشانه‌های این بیماری در سوسه‌های شناختی، عاطفی، رفتاری و بدنی آشکار می‌شود. بر این پایه در سیاست و کار سیاسی یا کنشگری اجتماعی وضعیت را در سوسه‌های فرسودگی سیاسی یا اجتماعی می‌توان هم در سطح فردی و هم گروهی/حزبی با نام‌های درماندگی (شناختی)، آزدگی (عاطفی)، کم‌کاری (رفتاری) و خستگی (بدنی) بازشناخت. سازه فرسودگی که نخست در زمینه کار و با نام فرسودگی کاری پیشنهاد شد، به نشانه‌هایی کاهنده (منفی) در همه سوسه‌های هستی ادمی اشاره دارد. نخستین بار واژه فرسودگی در گزارش گرین در سال ۱۹۶۱ درباره فردی دچار خستگی که انگیزه‌اش نسبت به کار را از دست داده، به کار برده شد (نوشاد، ۲۰۰۸). فرویدنبرگر (۱۹۷۵) که به بررسی همبستگی فرسودگی با افت کارکرد و خستگی ناشی از کسرتوان و نیروی فرد پرداخته را می‌توان پیشگام پژوهش در این زمینه دانست. هرچند پژوهش در زمینه فرسودگی، درباره کارکنان مزدبگیر (حقوق‌بگیر) کارهای گوناگون و بیش از همه، کارکنان اجتماعی مانند مددکاری، پرستاری، روان‌شناسی و آموزشیاری انجام شده ولی برخی پژوهشگران به فرسودگی کنشگران دیگر زمینه‌ها ازجمله آموزندگان به‌ویژه آموزندگان دانشگاهی و هم فرسودگی اجتماعی پرداخته‌اند (فخاری، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ و ۱۳۹۷).

بر پایه کارهای پژوهشی می‌توان گفت پیشینه اجتماعی-اقتصادی، ویژگی‌های خانوادگی، سبک‌های کاری و تفکر بازیگران، جو سیاسی، تمرکز شهروندان، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، بنیان‌های فرهنگی، رویکرد مدیریتی و حاکمیتی، کشمکش مستمر و ویژگی‌های روانی (شخصیتی) سرچشمه فشارهایی هستند که به فرسودگی می‌انجامد. سردرگمی هویتی و فرسودگی‌های انسانی-اجتماعی دوکاستی و مسئله‌های برجسته‌ای هستند که می‌توان در پیوند با شادکامی/غمگینی مردم یک جامعه ازجمله ایران مورد توجه قرار داد. فشارهای گوناگون و درازمدت، عامل‌هایی فراتر از اراده و توان مردم و همچنین نابردرداری از آموزش مهارت‌های شناختی-فراشناختی، مهارت‌های زندگی نبود دوره‌های بالایش و بهبود روان‌شناختی که به ایهام و آشفتگی انجامیده، چالش بزرگ و درازمدتی پدید می‌آوردند. فشارها و تنش‌های روانی/اجتماعی/اقتصادی درون‌بنیاد و بیرون‌بنیاد در درازمدت وضعیت کاهنده (منفی) و بازخورد (نگرش)‌های غیرسازنده به خود، جامعه و زندگی را رقم می‌زند که می‌توان آن را فرسودگی روانی و اجتماعی نامید. وضعیتی که نشانه‌های آن در سویه شناختی به صورت درماندگی شناختی و ناتوانی در حل مسئله، در سویه عاطفی به صورت آزدگی و ناخرسندی و در سویه رفتاری کم‌کاری و کم‌کاری بازنمایی می‌شوند؛ چون فرسودگی‌های روانی/اجتماعی چرخه بازفراوری اجتماعی پدید می‌آوردند، به صورتی آسیب‌زا و مزمن همدلی اجتماعی نوافرنی، امید به آینده و امنیت روانی را دچار مسئله می‌سازند. از سویی سردرگمی و فشارهای هویتی می‌توانند به این وضعیت دامن بزنند. توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات در سال‌های اخیر، به درازا کشیدن آموزش و به تأخیر افتادن هویت‌یابی یکپارچه، چندانگی‌ها و رورورویی‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی و دگرگونی در الگوها و سبک‌های زندگی بر پدیدآیی و دگرگونی‌های هویتی اثرگذار بوده‌اند. شرایط اجتماعی و اقتصادی در به درازا کشیده‌شدن سردرگمی هویتی و ناپایداری‌ها نقش‌آفرین هستند و چنین وضعیتی به بی‌کنشی (انفعال)، درماندگی



بهروز غریب‌پور

...» با مرحوم عباس جوانمرد صحبت می‌کردیم که: بین کجا تماشاخانه را ساخته‌اند، در עודلجان که تماشاگرا، از ترس اینکه مبادا شب، سرشون رو ببرن، نمایان تئاتر ببینن... من گفتم بابا نمایش می‌ذاریم، التماس می‌کنی کسی نمباد ببینه، تازه جایی غیر از محله עודلجان هم کسی مایل به دیدن تئاتر نیست، بعد توقع داریم که تئاتر ملی داشته باشیم؟! جوانمرد گفت: باید به دکتر فروغ بگیرم با این تلویزیون خصوصی که برنامه از هنرها زیا برنامه موسیقی و فیلم مستند و خبری میکیره، به فکری به حال تئاتر هم بکنه. خلاصه این شد که من و انتظامی و جعفر والی و رکن‌الدین خسروی و خلیل موحدیلیمقانی و خود جوانمرد هرکدام یک نمایش‌نامه‌ای دست گرفتیم و هر کدامون یک گروه راه انداختیم و اجرای زنده می‌رفتم – مثل همین آنلاینی که این روزها می‌گن، سال ۱۳۳۶ بود اون وقت‌ها تالار بیست‌وینج شهریور – سنگلج این سال‌ها – هفت‌ه‌ای دو شب برنامه داشت اما اجراهای زنده ما در تلویزیون ثابت پاسال باعث شد که مردم به دیدن نمایش‌هامون بیان...». اینها را استاد علی نصیریان به من می‌گفت. داشت قوت قلب می‌داد، دست‌میزاد می‌گفت که به راه‌انداختن یک جشنواره آنلاین تئاتر، در این شرایط ناچاری و ناگزیری و افسردگی و دلمردگی، تأیید می‌کرد که حرکتی فوق‌العاده است. من به ایشان گفتم: در این سال کرونایی من چندین بار و در رسانه‌های مختلف همین مثال را زده‌ام که شما

یادداشت

تلویزیون تئاتر را نجات داد!

و جوانمرد و والی همون آدم‌ها بودیم که کسی به دیدن کارامون نمیومد اما با این وسیله، با تلویزیون، اسمی در کردیم و کیشه ما رونق گرفت و تئاتر از بی‌اعتنایی نجات پیدا کرد. من ادامه دادم:

سالی که شما افول رادی رو کارگردانی و بازی کرده بودین من اومدم دم تالار بیست‌وینج شهریور، غلغله بود. کیشه بسته بود. من خدا خدا می‌کردم که به بلیت گیرم بیساد، یهو یکی از میون جمعیت دستش رو بالا گرفت و گفت کی بلیت می‌خواد؟ من دوتا اضافه دارم و من یکیش رو قاپیدم و پولش رو دادم، روی صحنه که اومدین قلبم تاپ‌تاپ می‌کرد: خدایا این همون علی نصیریانه که عکسش رو دیدم، راجع به اجراهای زنده تلویزیونش خوندم و شنیدم... این صحنه هرگز یادم نمیره... بله حق با شماست؛ تلویزیون در این رابطه نجات‌بخش بود. بعدها تله‌تئاتر با سرپرستی داود رشیدی مفری برای درآمدزایی خانواده تئاتر و در ضمن آشناکردن مخاطبان با نمایش‌های ایرانی و غیرایرانی شده بود و تئاتر از حمایت مردم برخوردار شد. خلاصه کنم هر آنچه من قبلا نوشته بودم یک سند زنده تاتر، یک رنج‌کشیده تئاتر یک استاد به زبان می‌آورد و گواهی می‌داد که من بیره نگفتم، من برای مخالفت با کسی و به صرف مخالفت با گروهی نوشته‌ام و حرف نزنده‌ام. در این شرایط باید راه‌های جدیدی را بیازمایم؛ انتشار نمایش‌نامه، تألیف یا ترجمه آثار تئوریک تئاتر، اجراهای آنلاین یا افلاین و برگزاری ورک‌شاپ‌های آنلاین و گسترده‌کردن شعاع عرضه و عرضه تئاتر از راه‌های مختلف. خلاصه یاس و دلمردگی و سناز مخالفت‌زدن چاره کار نیست؛ باید با وجود سلطه این شرایط و در عین پذیرش آن راه‌های دیگری برای بقای تئاتر جست‌وجو کنیم.



عکس از سوسه آنتی‌بیوتیک

تجربه دیگران

خروج ۳۵ ساعته از کره شمالی

بیونگ‌یانگ مبنی بر اینکه این کشور حتی یک مورد ویروس مشاهده نکرده است، شک دارند اما مسئله مهم دیگر کمبود غذا است. هنگامی که کره شمالی تصمیم گرفت به تجارت خود با پکن پایان دهد؛ حلقه نجات دیگری از دست رفت. در کشوری فقیر که مردم در حال گرسنگی روزافزون هستند و اقتصادی وابسته به کشاورزی و بی‌ارتباط با جهان است، نیاز اقتصادی مردم رو به افزایش است. ماتسکورا معتقد است: «زندگی برای ما در بیونگ‌یانگ آسان نوده است. در ماه‌های قرنطینه‌شدن، موجودی قفسه‌ها به حداقل رسیده است. خرید کالاهای اساسی مانند ماکارونی، آرد، روغن نباتی و شکر تبدیل به یک چالش شده است و لباس و کفش مناسب به سختی پیدا می‌شود. اگر چیزی قابل خریداری است، هزینه آن معمولاً سه یا چهار برابر بیشتر نسبت به قبل دوران قرنطینه‌است.»

نظرات ماتسکورا بسیاری را متعجب کرد. زیرا رابطه کره شمالی و روسیه به نسبت دیگر کشورها رابطه نزدیک‌تری است در حالی که کیم و دیگر رهبران کره شمالی اعتراف کرده‌اند که اقتصاد این کشور به دلیل ویروس کووید۱۹ در فشار است، اما تاکنون به عدم توانایی خود در تأمین مواد غذایی اشاره نکرده بودند. طبق برنامه جهانی غذا (WFP) حدود ۱۰٫۳ میلیون نفر در کره شمالی –بیشتر از ۴۰ درصد جمعیت – فقیر هستند. «کون لی» سخنگوی این سازمان گفت که عملیات آن در کره شمالی سال گذشته به دلیل بسته‌بودن مرزها به طور مستمر انجام نشده است و امکان دارد असال مردم بیشتری در این کشور در معرض خطر قرار گیرند. هرچند عنوان شده است این سازمان «فعالیت خود را در کره شمالی متوقف نمی‌کند، اما واقعیت این است که سازمان‌های جهانی برای حضور در کره شمالی بسا چالش‌هایی روبه‌رو هستند. این سخنگو تأکید کرد: «کار ما هرگز متوقف نشده است. علیرغم چالش در زمینه کمک‌های غذایی و آوردن تجهیزات به دلیل اقدامات قرنطینه‌ای به‌وجودآمده بر اثر کووید۱۹ در سال ۲۰۲۰، ما غذای محدودی به کره شمالی آورده‌ایم و با بیش از ۵۰۰ هزار نفر، ازجمله زنان و کودکان آسیب‌پذیر، دیدار و اهدای غذا داشته‌ایم. کار ما از طریق کارکنان ملی ما در بیونگ‌یانگ و کارکنان بین‌المللی که آنجا به طور موقت مستقر هستند، ادامه می‌یابد.»



غیرمجازی که با این شیوه مشغول فعالیت هستند، افزوده می‌شود. این رفتارها با توجه به نگرانی درباره افزایش مبتلایان در خوزستان قابل توجه است. طبق گزارش ایرنا رئیس مرکز بهداشت خوزستان گفته است: «شادگان، آبادان و خرمشهر در جنوب غرب خوزستان با ورود به پیک جدید کرونا، آلوده‌ترین و خطرخیزترین مناطق خوزستان به شمار می‌روند. در شهرستان‌های جنوب غرب خوزستان پروتکل‌های بهداشتی در چند هفته گذشته جدی گرفته نشد که این امر باعث فرم‌زدن شهرهای آبادان، خرمشهر و شادگان شد. خیلی از افراد مبتلا به ویروس کرونا از اقشار ضعیف جامعه هستند که برای خودقرنطینیگی نیاز به بسته‌های حمایتی دارند ولی متأسفانه این «حمایت در جنوب غرب خوزستان ضعیف است.»

روزگار کرونایی

بازار داغ قایق‌های غیرمجاز با الزامی‌شدن تست کرونا برای سفر به جزایر افزایش یافته است و بسیاری پیش‌بینی می‌کنند که باید منتظر حوادث تلخ بیشتر باشیم. با الزام تست کرونا در بندر شهید حقانی بندرعباس برای مسافران جهت سفر به جزایر قشم و هرمز و اخذ هزینه ۱۵۰ هزار تومانی برای این منظور از مسافران، بازار تردهای غیرمجاز با شناورهای غیرمجاز در بندرعباس به سمت جزایر داغ شده است. برخی مسافران برای دورزدن بندر شهید حقانی و تیم‌های ویژه انجام تست کرونا که در این بندر مستقر شده‌اند، از ساحل سورو، خونسرخ و... استفاده کرده و از قایق‌های غیرمجاز برای این منظور با هزینه هر نفر ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان استفاده می‌کنند. این شناورها در مدت ۲۰ دقیقه مسافران را حتی تا درکهان قشم نیز حمل می‌کنند و روزبه‌روز نیز بر شمار قایق‌های

سفر به جزایر گسترش کرونا

این روزها بحث سفر جزیره‌ی یکی از عوامل گسترش کرونا است اما به نظر می‌رسد مردم چنان خسته از پروتکل‌های بهداشتی و خسته از رعایت‌های یک‌ساله هستند که دامن می‌زند. هزینه زیادی که برخی کنشگران باتجربه پرداخته‌اند، مزه‌های تخریبی رسانه‌ای و فشار روانی فراینده هم به کناره‌جویی و چه بسا افسردگی و دلزدگی بخشی از کنشگران میدانی انجامیده است.

از سوی دیگر پروژه‌های رسانه‌ای رودرروی منافع ملی ایران با برش‌گزینی تاریخی و رسانه‌ای تجربه زیسته را دچار اعوجاج و دگرگونی هدفمند می‌کند. ما نیازمند بازخوانی و بازدریابی تاریخ و تعامل سازنده درون‌اجتماعی میان نسل‌ها، کاهش فشارهای خودساخته و فزون از تاب‌آوری مردم، پریازش راستین و پذیرش خویشن با امید به بهبود

در زمینه‌های گوناگون هستیم؛ روندی که هزینه سیاسی، امنیتی و اقتصادی تند و تیز و حذقی نداشته باشد.